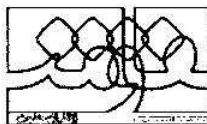


چالش‌های همگرایی در خلیج فارس

کنکاشی در دیپلوماسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و
راهبرد سیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس



عزیز مصنفی



نشر مقاومت



سرشناسه: غضنفری، عزیز، ۱۳۵۸-

عنوان و نام پدیدآور: چالش‌های همگرایی در خلیج فارس؛ کنکاشی در رویارویی سیاست خارجی - جمهوری اسلامی ایران و راهبرد سیاسی آمریکا در منطقه خلیج فارس / عزیز غضنفری. مشخصات نشر: بهرکرد سر مقاومت، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۱۰ ص.:

شابک: ۱۶۰۰۰۰ ریال. ۷ - ۶ - ۴۸۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیب

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۰۸.

موضوع: همگرایی منطقه‌ای

موضوع: امنیت ملی -- خلیج فارس، منطقه

موضوع: خلیج فارس، منطقه -- جنبه‌های استراتژیک

موضوع: ایران -- روابط خارجی -- خلیج فارس، منطقه

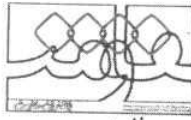
موضوع: ایالات متحده -- روابط خارجی -- خلیج فارس، منطقه

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴۲ چ ۶ / غ ۲۱۳۴ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۷۳۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۹۶۳۷





نشر مقاومت

چالش های همگرایی در خلیج فارس

کنکاشی در رویارویی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و

راهبرد سیاسی آمریکا در منطقه خلیج فارس



نویسنده: عزیز غضنفری

تهیه کننده: موسسه صبح امید دانش

براستار: زهرا احمدی بنی

صاحبان: علیرضا شکوهی زاده

در این جلد: احمد مهدی مطلبی

ناشر: نشر مقاومت



چاپ: اسرا * نوبت چاپ: اول * تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ * قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۵۴۸۷ - ۶ - ۷



مراکز پخش:

تهران، خیابان انقلاب، مجمع ناشران انقلاب اسلامی

۰۲۱ - ۶۶۹۷۶۴۸۷ - ۶۶۹۷۶۴۸۲

تهران، خیابان انقلاب، بین دانشگاه و فخر رازی، فروشگاه کتاب کیهان

۰۲۱ - ۶۶۴۰۳۴۷۹ - ۶۶۴۶۹۴۷۵

قم، خیابان دورشهر، نیش کوچه ۳، پلاک ۸۱، فروشگاه زمزم هدایت

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۷۳۵، همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۲۸۸۷

۰۹۱۹۵۸۸۰۰۳۵

فهرست مطالب

مقدمه ناشر..... ۱۱

مقدمه مولف..... ۱۹

بخش اول؛ چارچوب نظری

فصل اول: بررسی نظریه همگرایی..... ۲۶

مبحث اول: تعریف و مفهوم همگرایی..... ۲۶

مبحث دوم: انواع همگرایی..... ۲۹

۱-۲- همگرایی سیاسی..... ۲۹

۲-۲- همگرایی اجتماعی..... ۲۹

۳-۲- همگرایی اقتصادی..... ۳۰

مبحث سوم: نظریه‌های همگرایی..... ۳۰

۱-۳- فدرالیسم..... ۳۱

۲-۳- فونکسیونالیسم..... ۳۱

۳-۳- ارتباطات..... ۳۲

۴-۳- نئوفونکسیونالیسم..... ۳۲

فصل دوم: نظریه‌ی ساختار - کارگزار در تحلیل سیاست خار

جی..... ۳۴

مبحث اول: مقدمه..... ۳۴

مبحث دوم: سه رویکرد درباره‌ی نحوه تعامل کارگزار - ساختار..... ۴۰

۱-۲- ساختارگرایی..... ۴۰

۲-۲- کارگزار محوری..... ۴۴

۳-۲- تعامل ساختار - کارگزار: نظریه ساخت یابی..... ۵۱

مبحث سوم: مدل جایگزین در تحلیل سیاست خارجی: مدل فرصت‌ها و خواسته‌ها... ۵۴

بخش دوم: زمینه‌ها و موانع همگرایی در خلیج فارس

فصل اول: مسائل سیاسی و استراتژیک خلیج فارس..... ۶۰

مبحث اول: وضعیت سیاسی و امنیتی خلیج فارس..... ۶۰

مبحث دوم: ضرورت همکاری‌ها و همگرایی منطقه‌ای..... ۶۷

مبحث سوم: خلیج فارس و امنیت ملی ایران..... ۷۵

فصل دوم: زمینه‌ها و شاخص‌های همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس..... ۸۲

۱-۲- زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مشترک..... ۸۳

۲-۲- عامل جغرافیا..... ۸۴

۳-۲- منافع اقتصادی..... ۸۴

۴-۲- مسئله‌ی امنیت..... ۸۵

فصل سوم: موانع رشد همگرایی در خلیج فارس..... ۸۷

مبحث اول: موانع درون منطقه‌ای همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس..... ۸۷

۱-۱- مسائل و معضلات فرهنگی..... ۸۷

۲-۱- ساختار اقتصادی کشورهای منطقه..... ۸۸

۳-۱- اختلافات ارضی و مرزی..... ۹۰

۴-۱- ساختار رژیم‌های سیاسی منطقه..... ۹۱

۵-۱- برداشت‌های متفاوت از الگوهای امنیت..... ۹۳

مبحث دوم: موانع فرا منطقه‌ای همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس..... ۹۴

۱-۲- استراتژی امنیتی آمریکا در خلیج فارس..... ۹۴

بخش سوم: چالش‌های همگرایی در خلیج فارس

فصل اول: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس..... ۹۸

مبحث اول: تأثیر انقلاب اسلامی بر ساختارهای سیاسی منطقه خلیج فارس.....	۹۸
مبحث دوم: تأثیرات و پیامدهای سیاست خارجی ایران بر تحولات و ساختار سیاسی خلیج فارس بر اساس نظریه ساختار کارگزار.....	۱۰۵
۱-۲- سیاست خارجی جمهوری اسلامی و مسئله قدرت در خلیج فارس.....	۱۰۸
۲-۲- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مسئله ایده‌ها و ارزش‌ها در خلیج فارس.....	۱۱۴
۳-۲- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مسئله راه سوم در خلیج فارس.....	۱۱۷
مبحث سوم: استراتژی سیاسی - امنیتی ایران در خلیج فارس.....	۱۲۱
مبحث چهارم: ناخفته‌ها و مبانی سیاست خارجی ایران در دهه‌ی ۷۰ در خلیج فارس.....	۱۲۳
۱-۴- رویکرد سیاست خارجی ایران قبل از دهه‌ی ۷۰.....	۱۲۳
۲-۴- رویکرد سیاست خارجی ایران در دهه‌ی ۷۰.....	۱۲۶
فصل دوم: استراتژی نوین آمریکایی از ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران در خلیج فارس.....	
مبحث اول: خلیج فارس در تفکر ژئوپلیتیک آمریکا.....	۱۳۹
مبحث دوم: راهبرد خاورمیانه‌ای آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر.....	۱۴۱
مبحث سوم: استراتژی نوین آمریکا و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران در خلیج فارس.....	۱۵۷
۱-۳- اشغال عراق در ۲۰۰۳، فرصت‌ها و چالش‌های فراوری سیاست خارجی ایران.....	۱۶۲
۲-۳- راهبرد آمریکا و مسئله‌ی اعراب و اسرائیل.....	۱۷۲
۳-۳- راهبرد مقابله با ایران هسته‌ای و تأثیر آن بر رابطه‌ی ایران و شورای همکاری خلیج فارس.....	۱۷۶
فصل سوم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۰۴

- الف (منابع فارسی..... ۲۱۶
- کتاب..... ۲۱۶
- مقالات و روزنامه‌ها..... ۲۱۹
- ب) اینترنت..... ۲۲۲
- ج) منابع لاتین..... ۲۲۳



جمهوری اسلامی ایران بر اساس اشتراکات دینی و منافع منطقه‌ای و جهان اسلام، همکاری و همگرایی با کشورهای خلیج فارس را در صدر اولویت‌های سیاست خارجی خویش قرار داده است و در جهت تحقق این موضوع از هر راه کار منطقی که تأمین‌کننده منافع تمامی کشورهای این منطقه باشد استقبال می‌نماید. نظام جمهوری اسلامی ایران از آنجا که بر خواسته از منابع اصیل الهی و اسلامی می‌باشد، تنها به منافع مادی کشور خود در برقراری روابط با سایر کشورها بسنده نمی‌کند بلکه در این زمینه از جایگاه انسانی اسلامی می‌نگرد.

فصل دهم قانون اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را این گونه بیان می‌دارد: تأکید بر وحدت لای اسلام با استفاده از آیه کریمه «ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون» جلوگیری از سلطه جویی و سلطه گری بر اساس آیه کریمه «ولن يجعل الله للكافرين على المسلم سبيلاً» حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، احترام به اصل منع مداخله در امور داخل کشورها و... بر این اساس جمهوری اسلامی ایران ضمن رعایت ارزش‌های الهی فوق احترام به حق حاکمیت سایر کشورها و تلاش برای ارتقای سطح عزت و استقلال کشورهای اسلامی، سعی در برقراری و گسترش روابط خود بر اساس اصل عدم مداخله، رعایت احترام متقابل، حضور پر قدرت و با عزت در صحنه بین‌الملل، با دیگر کشورها نموده است که در این راستا اولویت به برقراری روابط با کشورهای اسلامی منطقه بر اساس ارزش‌های



اسلامی و انسانی، منافع ملی و مصالح کشور می‌باشد.

منطقه خلیج فارس یکی از مناطق راهبردی مهم دنیا با منابع طبیعی و انرژی فراوان نقش ارتباط دهنده‌گی یک بزرگراه تجاری میان شرق و غرب جهان را بر عهده دارد و نقش قابل‌توجهی در معادلات اقتصادی جهان ایفا کرده است.

همچنین، خلیج فارس به لحاظ نظریه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، بین‌المللی‌ترین منطقه دنیاست که به لحاظ منابع انرژی فضای مهمی را برای ایفای نقش بازیگران فراهم می‌کند.

حضور همواره قدرت‌ها و بازیگران جهانی موجب گردیده تا خلیج فارس در کانون اهمیت جهانی قرار بگیرد، اما در کنار این اهمیت، متأسفانه این منطقه در طول صدسال اخیر بحران‌ها و تنش‌های امنیتی را پشت سر گذاشته است. دخالت و حضور قدرت‌های بزرگ بخصوص آمریکا در ترغبات امنیتی و نظامی آن، وجود اختلاف مرزی فراوان بین کشورهای ساحلی و نبود مکانیسمی برای رسیدن به یک نظام امنیتی مشترک از جمله مهمترین مواردی است که باعث شده تا نه تنها همگرایی حاصل نشود، بلکه شاهد روند واگرایی میان کشورهای این منطقه باشیم. از آنجاکه خلیج فارس منطقه‌ای است متعلق به کشورهای ساحلی آن، طبعاً فقط آنها حق دارند نسبت به کم و کیف همگرایی و رسیدن به یک نظام امنیتی و همکاری جویانه تصمیم بگیرند و آن را به مرحله اجرا بگذارند.

یکی از بحث‌هایی که امروزه جایگاه قابل‌توجهی در مباحث تئوریک و آکادمیک پیدا نموده است، منطقه‌گرایی است که یکی از ملزومات ورود مجموعه‌های

گوناگون به جرگه جهانی شدن است. منطق منطقه‌گرایی بر همگرایی و رسیدن به یک مکانیسم همکاری جویانه است. خلیج فارس به عنوان یکی از زیرسیستم‌های منطقه آسیای جنوب غربی و به دلیل اهمیت و نقش آن در تأمین انرژی جهانی، بیش از مناطق دیگر می‌بایستی به جرگه همکاری‌های منطقه‌ای و رسیدن به یک نظام امنیتی مشترک دست پیدا می‌نمود، اما وجود عوامل مختلف بخصوص سه عامل حضور قدرت‌های بزرگ بخصوص آمریکا در ترتیبات امنیتی آن، وجود اختلافات رزی و سرزمینی میان کشورهای ساحلی و نبود یک مکانیسم تعریف شده برای رسیدن به یک نظام امنیتی مبتنی بر همکاری، مانع از تحقق همگرایی در این منطقه شده است و تاسف آنکه بیش از پیش شاهد افزایش تنش، رقابت و روند تسلیحاتی شدن در خلیج فارس هستیم.

عوامل واگرایی در خلیج فارس

۱. نقش آمریکا در ترتیبات امنیتی خلیج فارس

پیامدهای تاریخ استعمار در منطقه و نقش آنها در پایداری و استمرار بحران‌های جاری گواه بارز تجربه تلخ تاریخی در خلیج فارس است. حضور قدرت‌های بزرگ نه تنها راه‌حل به شمار نمی‌رود بلکه شالوده مشکلات را تشکیل می‌دهد و اهانتی تاریخی به بلوغ سیاسی و تمدن و فرهنگ این منطقه است. نظریات هارتلند و ریملند بخوبی نشان از اهمیت و جایگاه خاورمیانه بخصوص خلیج فارس در میان نظریه پردازان و تصمیم گیرندگان آمریکایی است.

کسی که برتنگه هرمز مسلط باشد بر مهم‌ترین منابع انرژی جهان مسلط است

و کسی که بر منابع انرژی مسلط باشد بر جهان مسلط است، خود منشأ نظریه و تئوری مورد توجه قدرت‌ها و بازیگران جهانی است که آمریکا به خوبی اهمیت آن را دریافته و بخوبی در این منطقه حضور خود را تثبیت نموده است. رمز و راز حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس به بهانه‌های مختلفی چون حفظ امنیت و استقلال کشورهای منطقه، رفع بحران و از بین بردن تهدیدات صورت گرفته است و متأزماً شاهد هستیم که امروزه آمریکا بیش‌ازپیش در خلیج فارس حضور دارد. پایگاه‌های دریایی، زمینی و هوایی در سه کشور بحرین، قطر و امارات بخوبی نشان دهنده حضور بن‌تدرت، بزرگ است. می‌توان به دلایل منطقی اثبات کرد که آمریکا در ژئوپلیتیک خلیج فارس جای ندارد، چرا که نوعاً منافع آن با منافع ملت‌ها و دولت‌های منطقه در تضاد است؛ اما فدا شدن تنش و سوءظن میان کشورهای منطقه باعث گردیده تا کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و همچنین خود این نهاد خواستار حضور آمریکا در منطقه باشند. باید کردن سیاست‌های دوستونی، موازنه قوا و مهار دوجانبه و تشویق مسابقه تسلیحاتی و ناآرامی‌ها در کشورها در مقابل خطر ایران انقلابی و رژیم صدام همگی گویای این مسأله بود و هست که حضور پایدار آمریکا در این منطقه مستلزم فضای تنش و تخاصم می‌باشد. این امر در طولانی مدت عواقب مطلوبی در منطقه نخواهد داشت. حضور نظامی قدرت‌های خارجی در منطقه نمی‌تواند صلح و امنیت پایدار در پی داشته باشد، زیرا با فلسفه حضور آن‌ها ناسازگار است.

یکی از مهمترین عواملی که همواره نقش عامل بازدارنده را در رسیدن به همگرایی در خلیج فارس داشته است، اختلافات مرزی و سرزمینی بین اکثر کشورهای این منطقه است. بیش از ۶۰ اختلاف مرزی و سرزمینی بین این کشورها همواره روند واگرایی را تسریع کرده و باعث گردیده تا فضای تنش در روابط فی مابین عامل تعیین کننده‌ای باشد. اختلاف بین ایران و عراق، عراق و کویت، کویت و عربستان، عربستان و امارات، عربستان و قطر، امارات و عمان نمونه‌های گویایی است که در برخی موارد موجب زدوخوردهای مرزی و آغاز جنگ‌هایی بوده که جنگ ایران و عراق، دوم خلیج فارس مصداق بارز آن می‌باشد. اختلافات مرزی ناشی از ابهام در تعیین دقل خط مرزی بین کشورهای منطقه است که یادگار دوران استعمار بریتانیاست که همواره نقش مهمی در ایجاد بحران در منطقه است که هنوز پس از ده‌ها سال حل نشده باقی مانده است.

این اختلافات همچون مسئله جزایر سه گانه، در ایران و امارات متحده عربی، منطقه بی‌طرف بین عربستان سعودی و کویت، مرزهای برون ساحلی ایران و کویت در منطقه شمالی خلیج فارس، مرزهای برون ساحلی ایران و عراق در شمال خلیج فارس، مرزهای آبی کویت و عراق، مرزهای آبی عجمان و شارجه، شارجه و ام‌القوین و رأس‌الخیمه از جمله این اختلافات حل نشده می‌باشد که سبب ناهمگونی در رفتار و معادلات امنیتی منطقه‌ای خلیج فارس شده است. تا زمانی که کشورهای مذکور اراده و برنامه‌ای برای حل این اختلافات نداشته و نتوانند آن را در معادلات پیش رو و متقابل نادیده بگیرند، وضعیت جاری خود را به شکل تنش

و بحران بازتولید خواهد نمود.

۳. فقدان نظام امنیتی مبتنی بر همکاری

رسیدن به نظام امنیتی مبتنی بر همکاری مستلزم فراهم شدن شرایطی چون شکل‌گیری دیدگاه و فهم مشترک درباره مفهوم امنیت و همکاری میان تصمیم‌گیرندگان کشورهای مذکور است. امری که تاکنون فراهم نگردیده و تحقق آن با توجه به شرایط موجود، بسیار سخت می‌نماید. قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای حفظ نفوذ خود بر مبادلات استراتژیک منطقه، حفظ تفوق سیاسی جهانی و تضمین دسترسی به انرژی ایران در خلیج فارس تلاش کرده‌اند تا با دامن زدن به برخی مسائل موجود که در چارچوب روابط دوجانبه یا بین منطقه‌ای قابل حل و فصل است، پاره‌ای از مسائل درون منطقه، از سمت بحران‌ها و تنش‌های دامنه‌دار سوق دهند و زمینه استمرار نفوذ و حضور خود را فراهم کنند. همین امر چشم‌انداز تحقق نظام امنیتی پایدار و فراگیر منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس را با ابهام روبه‌رو نموده است.

عدم ارائه تعریفی مناسب از جایگاه و اهداف نظام جدید امنیتی در منطقه و همسویی آن با نظام کلی امنیت بین‌المللی، فقدان تداوم سیاست اعتمادسازی در میان کلیه کشورهای منطقه، عدم مشارکت فعال کلیه کشورهای منطقه در این نظام امنیتی با ثبات فارغ از وزن جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی، تضمین متقابل استمرار جریان آزاد انرژی و سخت کردن مبادلات تجاری از مشکلات و موانعی است که دولت‌های واقع در خلیج فارس با آن روبرو هستند.

بنابراین، همکاری در حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای و ایجاد یک نظام امنیتی مبتنی بر همکاری میان کشورهای ساحلی خلیج فارس راهی مطمئن برای دفاع از منافع و مصالح مشترک دولت‌های این منطقه مهم و حساس جهانی است. امری که مشخص شده است، این است که طرح‌های امنیتی مختلف طراحی شده از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای تاکنون نتوانسته است به استقرار ثبات و امنیت در منطقه کمک کند. در نتیجه امروز امنیت منطقه دستخوش دگرگونی‌های فراوانی شده است. عدم حضور ایران و عراق در طرح‌های امنیتی موجود، ناکارآمد بودن الگوهای امنیتی ارایه شده فرامنطقه‌ای، اتکال بیش از حد به نیروی نظامی برای ضمانت حفظ امنیت منطقه، فقدان ارتباط نزدیک‌تر بین مقامات سیاسی کشورهای منطقه، حضور آمریکا در ترتیبات امنیتی آن و اختلافات مرزی از جمله عوامل مهمی بوده که باعث گردیده تا کشورهای ساحلی نتوانند به همگرایی در ایجاد فارس برسند و شاهد واگرایی بیشتر و فضای تنش و رقابت در این منطقه باشیم. به دلیل اهمیت فراوان خلیج فارس، کشورهای این منطقه می‌بایستی با طراحی الگوی همگرایی منطقه‌ای و بر مبنای امکانات و مقتضیات روشن و قابل تعریف در جهت‌دهی به سعادت این منطقه و ارتقای جایگاه بین‌المللی آن نقش محوری ایفا نمایند. همکاری کشورهای منطقه در مبارزه با تروریسم، تفرقه مذهبی، قاچاق مواد مخدر، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و جرائم سازمان‌یافته به موازات گسترش همکاری‌های اقتصادی، تجاری، فرهنگی ضرورتی غیرقابل انکار است که با گسترش آن می‌توان زمینه‌های همکاری بیشتر را فراهم نمود.

کتاب حاضر محصول تلاش علمی و پژوهشی برادر عزیز و دوست گرامی‌مان جناب آقای دکتر عزیز غضنفری می‌باشد که در اختیار همه مشتاقان مسائل ایران و خلیج فارس، همچنین حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل قرار می‌گیرد؛ آرزوی ما موفقیت روزافزون برای همه کسانی است که دل در گرو آرمان‌های انقلاب اسلامی داده‌اند و برای سربلندی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مجاهدت می‌کنند.

در خاتمه به همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر نقش آفرینی نمودند کمال تقدیر و تشکر را دارم.

والله المستعان

انتشارات مقاومت - اسفند ۱۳۹۴

مقدمه مولف

تحولات به وقوع پیوسته در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم موجب روی آوری کشورها به اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های نوین در چارچوب نظام‌های منطقه‌ای مبتنی بر همگرایی شده است. برخلاف آنکه در دوران استعمار و همچنین سال‌های نضج گرفتن گفتمان استقلال‌خواهی ملت‌ها و پایان عصر استعمارگری، اراده و انگیزه‌ای برای شکل گرفتن منطقه‌گرایی بین کشورها دیده نمی‌شود، اما سپری شدن جنگ سرد و طرح پدیده جهانی‌شدن با کارویژه‌ها و عناصر درونی خود سبب شده است تا وا-بدهای سیاسی استراتژی ملی خود را بر اساس همگرایی نوین منطقه‌ای تنظیم نمایند. کسرس و تقویت اتحادیه‌های منطقه‌ای در طی دهه‌های اخیر در صحنه روابط بین‌الملل شایستگی آشکار بر این مدعاست.

از سوی دیگر مرور و ارزیابی تحولات و رخداد‌های سیاسی جهان در طی سال‌های گذشته تاکنون واضح ساخته که مرکز ثقل ژئوپلیتیک نظام بین‌الملل بعد از اروپای غربی، خلیج فارس بوده است. حوزه منطقه‌ای خلیج فارس با قابلیت‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی توانسته است بیشترین اهمیت و توجه را در بین سیاستمداران و صاحب‌نظران برانگیزد.

اهمیت ژئواکونومیک خلیج فارس به گونه‌ای است که بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نتوانستند راهبرد و چشم‌انداز مناسبی از حضور موفقیت‌آمیز خود در نظام بین‌الملل بدون در نظر داشتن اهمیت استراتژیک خلیج فارس ترسیم نمایند. اهداف اقتصادی و امنیتی دولتی مثل ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس باعث شده تا این بازیگر مهم بین‌المللی، از سوی عده‌ای از صاحب‌نظران مسائل منطقه‌ای، بخشی

از نظام امنیتی خلیج فارس معرفی گردد؛ هر چند از حیث جغرافیایی و سرزمینی ارتباطی با حوزه‌ی خلیج فارس ندارد.

با وجود این، برخی از دولت‌های ساحلی خلیج فارس گرچه آگاه به اهمیت استراتژیکی خلیج فارس هستند و قائل به ایجاد همکاری و ائتلاف شده‌اند اما در ارتباط با حصول منطقه‌گرایی نتوانسته‌اند سازوکارهای لازم را فراهم نمایند تا از این طریق مقدمات تحقق تضمین‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی را فعلیت بخشند. ناگفته نماند که منطقه‌ای شدن نیازمند تفاهم در برداشت‌ها، گفتمان‌ها و ذهنیت‌های کشورهای سامانه‌ی خلیج فارس است، مسئله‌ای که به دلایل گوناگون عینیت نیافته است.

در این بین جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۵ با به چالش کشاندن دکترین امنیتی - اقتصادی حاکم بر خلیج فارس و ترسیم سیاست خارجی نه شرقی نه غربی در ضلع شمالی خلیج فارس موجودیت خود را اعلام کرد. این مسئله باعث شد روند تحولات سیاسی و بین‌المللی در خلیج فارس بعداً نوین و گسترده‌ای پیدا نماید. جغرافیای سیاسی ایران، وقوع انقلاب اسلامی و همچنین در اختیار داشتن طولانی‌ترین مرز دریایی با خلیج فارس و شاهراه مواصلاتی تنگه هرمز و دریای عمان سبب گشته تا بازیگران سیاسی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نتوانند جایگاه و قدرت اثرگذاری ایران در این منطقه را نادیده انگارند.

به موازات تکوین انقلاب اسلامی در ایران، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با رویکرد نوین در ارتباط با مناطق مختلف از جمله حوزه خلیج فارس تنظیم و اجرا شد. گرچه سیاست خارجی ایران با وقوع انقلاب اسلامی آرمان‌گرایانه

شد و این مسئله تقابل، نگرانی و عکس‌العمل را در بین کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس در پی داشت و در نتیجه موضوع همگرایی مجال طرح بحث پیدا نمی‌کرد؛ اما با وقوع تحولات نوین و درک جدید از منافع ملی همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس به‌عنوان یک راهبرد در دستور کار دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی قرار گرفت. با این وجود تلاش‌های انجام گرفته از سوی دولت‌های منطقه برای همگرایی، با سرعت رخدادها و تحولات نظام بین‌الملل و اقدامات کشورهای بزرگ فرا منطقه‌ای مخصوصاً آمریکا در جهت وسعت دادن به حوزه منافع قدرت‌ها به خود در خلیج فارس، برابری و تناسب نداشته است. هدف از این تحقیق بررسی رویکرد منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس است؛ همچنین ترسیم چگونگی تأثیرگذاری سیاست خارجی ایران در حوزه‌ی خلیج فارس و شناساندن مهم‌ترین چالش دیپلماسی همگرایی منطقه‌ای ایران در این منطقه، از دیگر اهداف این تحقیق، شمار می‌رود.

فرضیه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌های آرمان‌گرایانه‌ی سال‌های ابتدایی شکل‌گیری انقلاب اسلامی، راهبرد سیاست خارجی ایران با اتمام جنگ تحمیلی و آغاز دهه‌ی ۷۰ دچار تغییراتی شده است. به این دلیل که تحولات به وقوع پیوسته سبب شده، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آرمان‌گرایی به تلفیق آرمان‌گرایی و عمل‌گرایی و تمایل به ائتلاف‌سازی تغییر پیدا کند؛ اما علیرغم سیاست‌های اعلامی و اعمالی ایران برای تحقق ترتیبات امنیتی، سیاسی و اقتصادی در منطقه‌ی خلیج فارس مبتنی بر مشارکت جمعی کشورهای این حوزه، استراتژی منطقه‌ای آمریکا در خلیج فارس، به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، به‌عنوان عامل

بازدارنده‌ی راهبرد منطقه‌گرایی ایران نقش ایفا کرده است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، ترتیبات امنیتی و سیاسی خلیج فارس، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، متأثر از سه جریان اصلی بوده است. نخست اعمال نفوذ و حضور هژمونی آمریکا در منطقه، دوم: سیاست انفعالی کشورهای عربی و سوم: راهبرد جمهوری اسلامی ایران با هدف ارتقاء جایگاه منطقه‌ای و تلاش برای استقرار ترتیبات منتهی بدون دخالت کشورهای بیگانه. مجموعه‌ی این شرایط متعارض، چشم‌انداز همگرایی منطقه‌ای در حوزه‌ی خلیج فارس را با ابهاماتی مواجه ساخته است.

برای بررسی فرضیه حقیقی، کتاب به سه بخش تقسیم شده است. در بخش اول مفهوم همگرایی، انواع همگرایی و نظریه‌های همگرایی برای نشان دادن زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحقق همگرایی منطقه‌ای و همچنین چارچوب تحلیلی ساختار کارگزار، با این هدف که الگوی مناسبی برای بررسی سیاست خارجی منطقه‌ای ایران در خلیج فارس تلقی می‌شود آورده می‌شود. در بخش دوم ضمن بررسی شاخصه‌های سیاسی، فرهنگی و امنیتی منطقه‌ی خلیج فارس به ارزیابی امکان‌سنجی توسعه‌ی همگرایی در خلیج فارس و نیز موانع گوناگون همگرایی منطقه‌ای اشاره می‌شود. در بخش سوم با استفاده از روش و نظریه‌ی ساختار کارگزار، از یکسو تأثیرات و رویکرد همگرایانه‌ی سیاست خارجی ایران در حوزه‌ی خلیج فارس تشریح خواهد شد؛ و از سوی دیگر، استراتژی منطقه‌ای آمریکا در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر، به نام خاورمیانه‌ی بزرگ و راهبرد منطقه‌ای آمریکا پس از برجام به‌عنوان موانع اصلی سیاست همگرایی جمهوری

اسلامی ایران، از نظر خواهد گذشت.

در پایان لازم است از اساتید محترم و گرانمایه آقایان دکتر سعید تائب، دکتر محمد ستوده آرانی، دکتر سید محمدعلی حسینی زاده، دکتر محمود شفیعی و دکتر مقصود رنجبر صمیمانه سپاس‌گزاری نمایم. تردید ندارم که اگر راهنمایی‌ها و نقطه نظرات عالمانه اساتید گرامی نبود این مسیر به مقصود نمی‌رسید. همچنین تشکر از جناب آقای دکتر علی لاریجانی که با تجربیات عملی و گرانسنگ خود در زمینه‌ی سیاست خارجی و دیپلماسی منطقه‌ای نقشه راه مناسبی را پیش روی من ترسیم کردند و وظیفه خود می‌دانم. یافته‌ها و تجربیات دیپلماتیک ایشان در مدت تصدی دبیری شورای عالی امنیت ملی و ریاست مجلس شورای اسلامی که در جلسات مختلف در اختیار من قرار دادند، سبب شد تمرکز و نقطه ثقل تحقیق متناسب با واقعیت‌های عینی و عملی تنظیم و نگاشته شود. همچنین برحسب وظیفه از همسر و فرزندانم که با صبر و بردباری و پذیرش مشقت‌های فراوان همواره راه تحصیل دانش و نگارش این کتاب را برای من فراهم نمودند و بردانی می‌نمایم. ناگفته نپیداست که ایرادات و نقدهایی بر این اثر وارد است که این نقادان و کاستی‌ها به عهده نگارنده بوده و پیشاپیش دست همه منتقدین و صاحب نظران را به گرمی می‌فشارم و از نقطه نظرات اصلاح‌گرایانه همه‌ی کارشناسان و اساتید ارجمند استقبال می‌کنم.

عزیز غضنفری

دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی-گرایش مسائل ایران